شیوه نامه
کانون بین المللی وکلای دادگستری
در خصوص
تعارض منافع
در داوری بین المللی

فهرست مطالب

پیشگفتار، ۵

سرآغاز ، ۸

بخش اول: ضوابط کلی در خصوص بیطرفی، استقلال و آشکار کردن یا افشای واقعیات ذیربط، ۱۱

(1) اصل کلی، ۱۱
(2) تعارض منافع، ۱۱
(3) افشاهای توسط داور، ۱۲
(4) اعراض طرفهای داوری، ۱۵
(5) حیطه شمول، ۱۸
(6) ارتباطات، ۱۹
(7) وظیفه طرفهای داوری و داور ۲۱

بخش دوم: کاربرد عملی ضوابط کلی، ۲۴

فهرست قرمزغیر قابل اعراض، ۲۶' (1)
فهرست قرمز قابل اعراض، ۲۷ (2)
فهرست نارنجی، ۲۹ (3)
فهرست سبز، ۳۳ (4)

نام اعضای کارگروه بازبینی شیوه نامه ۲۰۱۴

A Note on Translations

This document was originally prepared in English by a working group of the International Bar Association and was adopted by IBA Council Resolution.

In the event of any inconsistency between the English language versions and the translations into any other language, the English language version shall prevail.

Translated by: Koorosh Ameli, FCIArb, Ameli Arbitration, k.ameli@ameliarbitration.com
and Niuscha Bassiri, Hanotiau & van den Berg, niuscha.bassiri@hvdb.com

نکته ای در باره ترجمه ها

این سند در اصل به زبان انگلیسی توسط کارکروهی از کانون بین المللی وکلای دادگستری تهیه شده و با قطعنامه شورای کانون به تصویب رسیده است.

در صورت هرکونه ناهماهنگی میان متن انگلیسی و ترجمه به زبانهای دیگر متن انگلیسی زبان غالب خواهد بود.

ترجمه فارسی توسط کورش عاملی، Ameli Arbitration, k.ameli@ameliarbitration.com
و نیوشا بصیری، Hanotiau & van den Berg, niuscha.bassiri@hvdb.com
تهیه شده است.

International Bar Association, Chancery House, 53-64
Chancery Lane,
London WC2A 1QS, United Kingdom
Tel: +44 (0) 20 7842 0090, www.ibanet.org All Rights Reserved
© International Bar Association 2024

کلیه حقوق محفوظ است
کانون بین المللی وکلای دادگستری ۲۰۲۴

تکثیر یا استفاده از هر بخشی از مطالب تحت حفاظت این اطلاعیه کپی رایت، به هر شکل یا به هر وسیله، اعم از
الکترونیکی یا مکانیکی، از جمله، عکسبرداری، ضبط یا هر گونه سیستم ذخیره سازی و باز یابی، بدون اجازه کتبی دارنده کپی رایت ممنوع است

پیشگفتار

نخستین شیوه نامه آی. بی.آ در باره تعارض منافع در داوری بین المللی (شیوه نامه) توسط کمیته داوری آی.بی.آ. و از طریق گروه کاری ۱۹ کارشناس تهیه و توسط شورای آی.بی.آ. در سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ تصویب شد. آن شیوه نامه بی درنگ مورد پذیرش گسترده ای در جامعه داوری بین المللی قرار گرفت و به عنوان یک سند حقوق نرم معتبری شناخته شده است که گویای ضوابطی می باشد که انتظار میرود در بی طرفی و استقلال داوران و همچنین افشای اوضاع و احوال خاص به کار رود. سیستم سرخ و نارنجی و سبز چراغ راهنمایی و رانندگی ابداعی در این زمینه یک هنجار گسترده جهانی شده است. حقوق دانان این شیوه نامه را به عنوان مرجع به کار میبرند؛ بیشتر سازمان های داوری و حتی دادگاه ها به آن به عنوان یک بسته اصول اساسی در این زمینه رجوع می کنند. نیاز به چنین شیوه نامه ای مورد معارضه قرار نگرفته است. تنها سوال این است که آیا با گذشت زمان این شیوه نامه باید با توجه به پیشرفت رویه داوری تحول پیدا کند.

هماهنگ با رویه کمیته داوری آی.بی.آ. که هر ده سال قواعد و شیوه نامه های خود را که آیا باید اصلاح شوند بررسی می کند، این شیوه نامه نخست در سال ۱۳۹۳/۲۰۱۴ مورد بازبینی قرار گرفت (که پیرو بررسی یک کمیته فرعی ۲۷ عضوی بود). اینکه آیا و چگونه این شیوه نامه باید مورد بازبینی قرارگیرد توجه دقیقی لازم دارد تا از طریق بررسی تجربی تعیین شود که آیا کارکرد این شیوه نامه نیازی به رفع ابهام یا پیشرفت دارد. هنگامی که با یک بسته اصولی که به نحو گسترده ای شناخته شده است سر و کار داریم تصمیم در باره حدود اصلاحات آن آشکارا امر حساسی است، زیرا هدف اصلاح بهتر سیستم بدون صدمه زدن به پایه آن است. تنش هایی ممکن است در این که تا چه اندازه این شیوه نامه باید سختگیر باشد از گستره عملکرد آن به وجود می آید زیرا داوری بازرگانی و سرمایه گذاری و همچنین سیستم های داوری تخصصی (مانند داوری دریایی، ورزش و محصولات) و دارندگان حرفه های حقوقی و غیر حقوقی که به عنوان داور خدمت می کنند را پوشش می دهد. کلیه این معیارها باید منظور شود.

تحت رهبری دو رییس مشترک کمیته داوری آی.بی.آ. سمعا حریدی (۲۰۲۲) و واله ریا گالیندز (۲۰۲۳) و ایرکا استاین به عنوان رییس مشترک کمیته فرعی شیوه نامه ها و قواعد داوری (کمیته فرعی) که سپس کلودیا فروتوس-پیترسون به آن پیوست، یک کارگروه جدیدی برای بازبینی شیوه نامه ۲۰۱۴ تشکیل شد. یک نظرخواهی توسط کمیته فرعی در سال ۲۰۲۲ از حقوق دانان داوری انجام شد تایید کرد که شیوه نامه یک ابزار مفید و موثر باقی مانده است و نیازی به یک تجدید نظر کامل ندارد. ولی این نظرخواهی پیشنهاد داشت که این شیوه نامه در جاهایی نیاز به مدرن و روان شدن دارد: ۱- در افشاهای داوران، ۲- حمایت مالی اشخاص ثالث، ۳- تعارض در نظرات حقوقی، ۴- مدل های سازمانی حرفه حقوقی در قلمروهای قضایی گوناگون مانند دفاتر وکلای

باریستر (barristers' chambers)، دفاتر حقوقی چند ملیتی (vereins)، وغیره، ۵- شاهدان کارشناس، ۶- حکومت ها یا موسسات و واحدهای ابزاری آنها، ۷- داوران غیر حقوقدان، و ۸- رسانه های اجتماعی. اعضای کارگروه بنابراین به گروه هایی تقسیم شدند که به این مسایل بپردازند، بعلاوه یک گروه نهم برای بررسی مسایل دیگری که در نظر خواهی سال ۲۰۲۲ منظور نشده و باید در بازبینی شیوه نامه پوشش داده شود.[1] رهبران و اعضای گروهای فرعی کارگروه (در جمع بیش از ۶۰ نفر) بسیار کوشش کردند که وظایف خود را طی یک سال تکمیل کنند. متن به روز شده شیوه نامه به مشورت خواهی همگانی، منجمله صدها سازمان داوری در گستره جهانی تسلیم شد. نظرات رسیده جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت، بویژه اجماع در نظرات احراز شد و در پذیرش متن نهایی منظور گردید.

سرآغاز شیوه نامه ۲۰۲۴ اهداف کلی شیوه نامه و آخرین بازبینی آنها را توضیح می دهد و سپس ضوابط کلی بیطرفی، استقلال و افشاها (بخش اول)، و موارد عملکرد ضوابط کلی از طریق فهرستهای اوضاع و احوال (بخش دوم) را توضیح میدهد.

اصلاحات شیوه نامه کوشش دارد بر اهمیت ضوابط کلی که در بخش اول آمده و باید همیشه مورد توجه قرار گیرد تاکید کند و اینکه این ضوابط نمی توانند از فهرستهای عملکرد مذکور در بخش دوم برای ارزیابی تعارض منافع و افشاهای لازم داور تبعیت کنند. هنگامی که موارد به روز شده فهرستهای عملکرد در بخش دوم با توجه ضوابط کلی تقویت شده بخش اول در نظر گرفته شوند آنوقت گویای درجه افشاهای کنونی داور که استفاده کنندگان داوری و بطور کلی جامعه داوری انتظار دارند خواهد بود.

کمیته داوری کانون از والریا گالیندز و اریکا استاین بابت کار بسیار عالی ایشان و همچنین از دو منشی[2] کارگروه ها و روسای[3] تیم های کارگروه سپاسگزاری ویژه دارد. همینطور از رییس پیشین کانون و رییس مشترک کمیته داوری دیوید روکین از بابت حمایت مستمر و اشتیاق ارایه راه حل های عاقلانه وی سپاسگزاری ویژه میشود.

۱- **افشاهای داوران**: آندره عبود، جولی بدارد، جولینا کاستیلو، کان فن، جنیفر کربی، نورادل رجایی، محمد س، عبدالوهاب، گالینا زوکووا. **حمایت مالی اشخاص ثالث**: کرینا بالتاگ، الفردو بولارد، زرینا شینوی، الیس فرموث - وولف، تام گلاسگو، دانکن واتسون. **تعارض در نظرات حقوقی**: لارنس بو، ژی هی جونگ، سیلویا مارچلی، لوسی مارتینز، الکسیس موری، ملوری سیلورمن. **مدل های سازمانی حرفه حقوقی نظام های قضایی گوناگون**: فولشاده علی، پییر بیانونو، بیتا جیزل، سارا گریمر، بارتون لگوم، لویز رایلی. **شاهدان کارشناس**: دانیلا بامباسی، پییر برگر، استفانی کوهن، فرانک هورمز، یان هاینر ندن، جیری اربن. **حکومت ها یا موسسات و واحدهای ابزاری آنها**: نیکولاس آنجلت، جیدره اوکستولیینی، دیالا خمینز، پال کارا، کریستین لیثلی، سامی تانوس. **داوران غیر حقوقدان**: ریچارد اپهون، لارن فریدمن، مارلی پارالیکا، شرینا پتیت، پال تیشور، رن قینگ. **رسانه های اجتماعی**: دانیل دوزا، ریکاردو دالماسو مارکه س، سیلوی بلبوهی امبونگو، کریستا مولر، هارولد نوح، یوشیمی اوهارا، سوفیا د سامپایو یاله. **موضوعات دیگر**: بنان ارسون، هیلده ون در بان، دیودو بلکمن، دانیل هیلبورن کریسپیم، ساندرا گونزالز، خالد ابو هدا. [1]

۲ - دیدوید بلاکمن ، ویوا دادوال[2]

۳ - نیکولاس آنجلت، کرینا بالتاگ، دانیل دوزا، سارا گریمر، یان هاینر ندن، مارلی پارالیکا، لویز رایلی،مالوری [3] سیلورمن، هیلده ون در بان، گالینا زوکووا

شیوه نامه را می توان از نشانی زیر پیاده کرد: www.ibanet.org/resources

زاویر فارو – بول
چیان باو
روسای مشترک کمیته داوری
فوریه ۲۰۲۴

سر آغاز

1. در داوری بین المللی، داوران ملزم به افشاگری هستند تا به طرف های داوری اجازه دهند تعارض منافع بالقوه را شناسایی کرده و تجزیه و تحلیل کنند و به موسسات داوری و دادگاههای داخلی نیز اجازه بررسی مقتضی چالش ها را بدهد. ولی اینکار ممکنست دشوار باشد زیرا مسایل تعارض ممکنست ظریف و پاسخ ها مربوط به موارد خاص باشند. لذا، در سال ۲۰۰۴ کمیته داوری کانون پس از بررسی فاکتور های مختلفی شامل (۱) اهمیت اساسی استقلال و بیطرفی داوران، (۲) اصل آزادی اراده طرفها، (۳) زمان، ماهیت، بار اثبات و سایر فاکتور های کاربردی افشاگری، و (۴) آثار و هزینه هایی که بر جرح های واهی مترتب میشود، شیوه نامه ای در خصوص این موضوع منتشر کرد.
2. شیوه نامه سال ۲۰۰۴ منعکس کننده این نظر بود که ضوابط موجود در آن زمان فاقد صراحت و روشنی و یکنواختی کافی در اعمال آن ها بود. بنابراین، شیوه نامه ۲۰۰۴ "ضوابط کلی و یادداشت های توضیحی در باره ضوابط" ("ضوابط کلی") را تعیین کرد. ضوابط کلی تعیین شد تا منبع اولیه برای ارزیابی وجود تعارض منافع (از طریق اتخاذ معیار عینی "شخص ثالث منطقی") و تکلیف به فاش کردن (با اتخاذ معیار انتزاعی "از دید طرف ها") باشد.

3. معهذا، برای ایجاد انسجام بیشتر و اجتناب ازجرح ها، کناره گیری ها و کنار گذاشتن های غیر ضروری داور، شیوه نامه ۲۰۰۴ وضعیت های مشخصی را فهرست کرد (تحت عناوین "قرمز"، "نارنجی" و "سبز") با این هدف که ضوابط کلی را نشان دهد تا به داوران در افشاگری کمک کرده و به طرفین نیز برای بررسی اینکه آیا اطلاعات فاش شده طوری هستند که ایجاد تردید نسبت به استقلال و بیطرفی داور شود مساعدت نماید. از وضعیت های مذکور در فهرست قرمز اینطور مستفاد میگردد که تعارض منافع وجود دارد. وضعیت های مذکور در فهرست سبز موجد تعارض منافع نیست. وضعیت های در فهرست نارنجی بسته به واقعیات یک مورد خاص ممکنست از دید طرف ها ایجاد تردید کند و لذا طبق ضابطه کلی ۳ باید فاش شود. این فهرست ها ("فهرست مصادیق") در اصلاحات شیوه نامه ۲۰۱۴ به روز شدند. در اصلاحات ۲۰۲۴، ضوابط کلی و فهرست مصادیق با توجه به کارکردعملی آنها از سال ۲۰۱۴، هردو مجددا به روز و تکمیل تر شدند.

4. شیوه نامه حاضر در بر گیرنده برداشت کمیته داوری کانون نسبت به بهترین رویه های بین المللی است که ریشه عمیق در اصول بیان شده در ضوابط کلی مندرج در زیر دارد. ضوابط کلی و **فهرست های مصادیق** آن بر قوانین موضوعه، عملکردها، رویه های قضایی و سایر تصمیمات ونیز براساس قضاوت و تجربه دست اندرکاران اصلی داوری بین المللی مبتنی هستند. منظور

از تدوین شیوه نامه حاضر برقراری موازنه میان علایق گوناگون طرف های داوری، وکلا، داوران و نهادهای داوری است که همه آنان نسبت به تضمین حیثیت، حسن شهرت و کارآیی داوری بین المللی مسئولیت دارند. اعضای کارگروه بازبینی شیوه نامه ۲۰۱۴ و کمیته فرعی آن همانند اسلاف خود در سالهای ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ از طریق مشاوره های عمومی در جلسات سالانه کانون وهمچنین سایر جلساتی با جامعه داوری بین المللی، جویای نظرات نهادهای پیشرو داوری، وکلای شرکت های مهم وسایر اشخاص دخیل در داوری بین المللی شده و آن نظرات را مورد بررسی قرار داده اند. اظهار نظرهای دریافتی، به تفصیل بررسی و بسیاری از آن ها اتخاذ و تصویب شدند. کمیته داوری کانون از این که پیشنهادهایش توسط بسیاری نهادها و افراد مورد بررسی جدی واقع گردیده، سپاسگزار است.

5. شیوه نامه حاضر، قابل اعمال بر کلیه داوری های بین المللی است، اعم از این که وکالت طرف های داوری بر عهده وکلا باشد یا غیر وکلا، و صرفنظر از این که متخصصین غیر حقوقدان به عنوان داور ایفای نقش کنند.

6. شیوه نامه حاضر هیچ قانون داخلی قابل اعمال یا قواعد داوری، قواعد ناظر بر رفتاریا سایر اسناد مورد انتخاب طرف های داوری را نسخ نمی کند. با اینحال، امید است، همانگونه که در مورد شیوه نامه های سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۱۴ و سایر مجموعه های قواعد و شیوه نامه های کمیته داوری کانون مصداق داشت، شیوه نامه باز نگری شده حاضر در داخل جامعه داوری بین المللی مورد پذیرش وسیع واقع گردد و برای طرف های داوری، وکلا، داوران، نهادها و دادگاه ها در حل و فصل این مسائل مهم بیطرفی و استقلال مددکار باشد. کمیته داوری کانون توصیه میکند که شیوه نامه حاضر توأم با عقل سلیم قاطع و فارغ از تعبیر و تفسیرهای تشریفاتی بیش از حد، مورد عمل قرار گیرد.

7. بخش اول شیوه نامه حاوی اصولی است که همیشه باید مد نظر باشد. فهرست های مصادیق مندرج در بخش دوم ، بسیاری از وضعیت های گوناگون را که عموما در عمل پیش می آید، شامل می شوند، اما فرض بر جامع و کامل بودن آن ها نیست ونمی تواند باشد. کمیته داوری کانون به بررسی موارد استفاده واقعی شیوه نامه حاضر به منظور پیشبرد بهبود آن ها ادامه خواهد داد.

8. در سال ۱۹۸۷، کانون قواعد انتظامی برای داوران بین المللی را منتشر کرد. قواعد مزبور مباحث و عناوین بیشتری را نسبت به شیوه نامه حاضر شامل می شوند و در خصوص موضوعاتی که در شیوه نامه حاضر مورد بحث واقع نشده اند، قابل اجرا باقی می مانند. شیوه نامه حاضر جایگزین قواعد انتظامی در خصوص موضوعاتی می شود که در این سند مورد بحث واقع شده اند.

بخش اول: ضوابط کلی در خصوص بیطرفی، استقلال و آشکار کردن یا افشای واقعیات ذیربط

(1) اصل کلی

داور باید در زمان پذیرش انتصاب برای خدمت، بیطرف و مستقل باشد و تا زمان صدور حکم نهایی داوری، و یا در صورتی که رسیدگی به نحو دیگری سرانجام مختومه گردد، بیطرف و مستقل باقی بماند.

توضیحات در باره ضابطه کلی ۱

یک اصل اساسی زیربنایی شیوه نامه حاضر این است که هر داور باید در زمانی که می پذیرد به عنوان داور عمل کند، بایستی بیطرف و مستقل از طرف های داوری باشد، و باید در سراسر جریان رسیدگی، از جمله طی دوره زمانی لازم برای تصحیح یا تفسیر حکم نهایی داوری، تحت قواعد ذیربط، با این فرض که این دوره زمانی معلوم یا قابل تعیین باشد، بیطرف و مستقل باقی بماند.

ولی این تعهد به دوره زمانی که طی آن احتمال دارد حکم داوری صادره نزد دادگاه ذیربط مورد اعتراض واقع شود، تسری نمی یابد. لذا، تعهد داور در این امر، هنگامی که دیوان داوری حکم نهایی داوری را صادر کرده، یا هر گونه اصلاح یا تفسیر مجاز آن طبق قواعد ذیربط صادر گردیده، یا مهلت چنان اصلاح یا تفسیری منقضی شده، جریان رسیدگی به طور قطعی مختومه گردیده (به عنوان مثال، به دلیل صلح دعوا)، و یا داور به نحو دیگری صلاحیت رسیدگی نداشته باشد، خاتمه می یابد. در صورتی که بعد از ابطال حکم داوری یا رسیدگی های دیگر، اختلاف به همان دیوان داوری ارجاع شود، دور جدیدی از افشای واقعیات ذیربط و بررسی تعارض منافع بالقوه ضرورت پیدا میکند.

(2) تعارض منافع

(الف) درصورتی که داور نسبت به توانایی خود در رعایت بیطرفی یا استقلال شک و تردید داشته باشد، باید از پذیرش سمت داوری خودداری کند، و در صورتی که داوری آغاز شده باشد، باید از ادامه خدمت به عنوان داور سر باز زند.

(ب) اگر واقعیات یا اوضاع و احوالی وجود داشته یا از زمان نصب داور به وجود آمده باشد، که، از دید یک شخص ثالث معقول و مطلع از واقعیات و اوضاع و

احوال ذیربط، شک و تردید های قابل توجیه نسبت به بیطرفی یا استقلال داور ایجاد کند، همین اصل صدق می کند مگر آن که طرفین داوری داور را، طبق الزامات مقرر در ضابطه کلی ۴، پذیرفته باشند.

(پ) شک و تردید در صورتی قابل توجیه است که ر یک شخص ثالث معقول و مطلع از واقعیات و اوضاع و احوال ذیربط، به این نتیجه برسد که این احتمال وجود دارد که داور ممکن است در حصول تصمیم خود تحت تأثیر عواملی سوای ماهیت دعوا، آن گونه که توسط طرفین ارائه گردیده، قرار گیرد.

(ت) در هر یک از وضعیت های موصوف در فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، شک و تردید های قابل توجیه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور وجود دارد.

توضیحات در باره ضابطه کلی ۲

(الف) در صورتی که داور در خصوص توانایی خود نسبت به رعایت بیطرفی و استقلال شک و تردید داشته باشد، باید از قبول انتصاب خودداری کند یا از ادامه کار امتناع نماید. این ضابطه، صرفنظر از این که جریان رسیدگی در چه مرحله ای است، باید اعمال شود. این یک اصل اساسی است که به منظور اجتناب از سردرگمی و تقویت اعتماد در فرآیند داوری در شیوه نامه حاضر تشریح شده است.

(ب) اصطلاحات 'بیطرفی یا استقلال' در ضابطه کلی ۲، ازماده ۱۲ قانون نمونه کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد (**آنسیترال**) برگرفته شده، که به صورت وسیع مورد قبول واقع شده و ناظر بر سلب صلاحیت داوران است. همانطور که در ماده (۲) ۱۲ قانون نمونه **آنسیترال** مقرر گردیده، ملاک و معیار برای سلب صلاحیت عینی است ('معیار شخص ثالث معقول' که از یک معیار ظاهری که مبتنی بر تردیدهای قابل توجیه در استقلال و بیطرفی داور است استفاده میکند. در اتخاذ تصمیم مبنی بر امتناع از انتصاب به داوری یا ادامه ندادن به داوری، داور باید یک ضابطه عینی را برای ارزیابی واقعیات و اوضاع و احوال ذیربط مد نظر داشته باشد. داور بایستی طبق ضابطه کلی ۲ (ب) از انتصاب به داوری امتناع کند و یا به کار ادامه ندهد زیرا یک تعارض منافع عینی وجود دارد مگر اینکه طرفین داوری طبق ضابطه کلی ۴ از آن تعارض منافع صرفنظر نمایند.

(پ) وقتی تردیدهای قابل توجیه وجود دارد، بعنوان مثال در اوضاع و احوالی که در فهرست قرمز غیر قابل انصراف ذکر شده، داور باید از انتصاب به داوری خودداری کند یا از ادامه کار امتناع کند. معهذا، وجود تردید های قابل توجیه ممکنست در عوض داور را ترغیب به افشاگری طبق ضابطه کلی ۳ کند مانند اوضاع و احوالی که در فهرست قرمز قابل انصراف آمده است.

(ت) قوانین و قواعدی که متکی بر ضابطه شک و تردید های قابل توجیه هستند، غالبا آن ضابطه را تعریف نمی کنند. منظور از این ضابطه کلی، ارائه چارچوبی برای تصمیم گیری در این باب است. به عنوان مثال، به دلیل این که هیچکس مجاز نیست قاضی خود باشد، بین یک داور و یک طرف داوری نمی تواند وحدت هویت وجود داشته باشد. بنابراین، طرف های داوری نمی توانند از تعارض منافعی که در یک چنین وضعیتی پدید می آید، اعراض کنند.

(3) افشای توسط داور

(الف) در صورت وجود واقعیات یا اوضاع و احوالی که امکان دارد از دید طرف های داوری شک و تردید موجهی در خصوص بیطرفی یا استقلال داور ایجاد کند، داور باید این گونه واقعیات یا اوضاع و احوال را نزد طرف های داوری، نهاد داوری یا مقام ناصب دیگر (در صورت وجود، و چنانچه قواعد سازمانی ذیربط آنرا لازم بشمرد)، وداوران همکارش، درصورت وجود، پیش از قبول سمت و یا بعداً به محض آن که خود داور از وجود آن ها آگاه شود، فاش نماید. با این قید که داور مکلف است طبق ضابطه کلی ۷ (ت) تحقیقاتی انجام دهد، برای تعیین اینکه آیا واقعیات یا اوضاع و احوال بایستی فاش شوند، داور بایستی کلیه واقعیات و اوضاع و احوالی که از آنها اطلاع دارد را مورد بررسی قرار دهد.

(ب) افشا یا اعراض پیشاپیش در ارتباط با تعارض منافع احتمالی ناشی از واقعیات و اوضاع واحوالی که ممکن است در آینده پدید آید، داور را از استمرار وظیفه افشا، طبق اصل کلی ۳ (الف)، معذور نمی دارد.

(پ) از ضوابط کلی ۱ و ۲ (الف) منطقا نتیجه می شود که داورانی که موضوعی را افشا کرده اند، علیرغم واقعیات افشا شده، خود را بیطرف و مستقل از طرف های داوری محسوب می کنند، و بنابراین قادر به انجام وظایف خود به عنوان داور میباشند. در غیر این صورت، داوران از پیشنهاد نامزدی یا انتصاب در ابتدای امر انصراف و یا استعفا می دادند.

(ت) هر گونه تردید در این خصوص که آیا داور باید پاره ای واقعیات یا اوضاع و احوال را فاش کند یا خیر، باید به سود افشا فیصله یابد.

(ث) اگر داور ببیند که باید موضوعی را فاش کند ولی قواعد حرفه ای حفظ اسرار یا سایر قواعد حاکم بر رفتارحرفه ای مانع افشا است، داور نباید انتصاب را قبول کند یا باید استعفا کند.

(ج) مرحله رسیدگی داوری نباید تاثیری بر تصمیم داور در خصوص اینکه آیا واقعیات و اوضاع و احوال باید فاش شوند بگذارد.

(چ) قصور یک داور در فاش کردن واقعیات و اوضاع و احوالی که از دید طرفین ممکنست موجد تردید در خصوص بیطرفی و استقلال داور باشند لزوما به این معنی نیست که یک تعارض منافع وجود دارد یا بایستی یک سلب صلاحیتی در پی داشته باشد.

توضیحات در باره ضابطه کلی (۳)

(الف) وظیفه داور مبنی بر افشای واقعیات ذیربط طبق اصل کلی ۳ (الف)، مبتنی بر این اصل است که طرفین داوری ذینفع هستند در این که راجع به وجود هر گونه واقعیات یا اوضاع و احوالی که به نظر آنان می تواند ذیربط باشد، کاملاً مطلع شوند. اصل کلی ۳ (ت) به نوبه خود مقرر می دارد که هر گونه شک و تردید راجع به لزوم یا عدم لزوم افشای پاره ای واقعیات یا اوضاع و احوال، باید به سود افشای آن ها فیصله یابد. با این حال، لزومی ندارد که وضعیت هایی مانند وضعیت های مندرج در فهرست سبز، که نمی توانند منجر به بروز تردید هایی از دید طرفین شوند زیرا از نقطه نظر عینی طبق اصل کلی ۲، هیچ تعارض منافع واقعی یا ظاهری وجود ندارد و نیازی به افشای آنها نیست. مضافا، چنان که در ضابطه کلی ۳ (پ) منعکس گردیده، افشا به این مفهوم نیست که واقعیات فاش شده آن گونه است که طبق ضابطه کلی ۲ موجب سلب صلاحیت از داور شود. وظیفه افشای واقعیات، طبق ضابطه کلی ۳ (الف)، ماهیتاً وظیفه ای مستمر است.

(ب) کمیته داوری کانون، استفاده داوران آینده از اعلام واقعیات یا اوضاع و احوال محتمل الوقوع در آینده، و همچنین تعارض منافع احتمالی ناشی از آن را که گهگاه 'اعراض پیشاپیش' نامیده می شوند، مورد بررسی قرار داده است. این گونه اعلام ها داور را از استمرار تعهد افشا، طبق ضابطه کلی ۳ (الف) مبرا نمی کند. در هر حال، شیوه نامه حاضر، در خصوص اعتبار و اثر اعلام یا اعراض پیشاپیش،

موضعی به نحو دیگر اتخاذ نمی کند، زیرا اعتبار و اثر هرگونه اعلام یا اعراض پیشاپیش باید در پرتو متن مشخص آن اعلام یا اعراض، اوضاع و احوال خاص موجود و قانون ذیربط بررسی شوند.

(پ) افشاگری به معنی وجود تعارض منافع نیست. داورانی که واقعیاتی را به طرفین اعلام کرده اند، علی رغم واقعیات افشا شده، خود را بیطرف و مستقل از طرف های داوری تلقی می کنند، والا، از قبول نامزدی خودداری و یا استعفا می کردند. بنابراین، داوری که واقعیاتی را فاش می کند، خود را قادر به اجرای وظایف داوری حس می کند. منظور از افشای واقعیت این است که به طرف های داوری اجازه دهد که قضاوت کنند آیا با ارزیابی داور موافقند یا خیر، و در صورتی که بخواهند، در مورد آن وضعیت تحقیقات بیشتری به عمل آورند. این ضابطه کلی روشن میکند که افشاگری فی نفسه نمیتواند موجد تردیدهای کافی برای سلب صلاحیت داور گردد یا حتی موجد فرضی بنفع سلب صلاحیت باشد. برعکس، هر گونه جرحی باید فقط در صورتی موفق شود که یک معیار عینی، آن گونه که در ضابطه کلی ۲ بیان گردیده، احراز شود.

(ت -ج) افشا یا سلب صلاحیت (به نحو مندرج در ضوابط کلی ۲ و۳) منطقاً نباید بستگی به مرحله خاصی از داوری داشته باشد. در تصمیم گیری راجع به این که آیا داور باید افشای واقعیت کند، سمت داوری را بپذیرد یا از ادامه خدمت امتناع کند، تنها واقعیات و اوضاع و احوال مؤثر در مقام اند، نه مرحله جاری رسیدگی یا پی آمدهای کناره گیری. گرچه در صورت لزوم داور به کناره گیری پس از شروع داوری، ممکنست نگرانی های عملی وجود داشته باشد، قایل شدن تمایز بر مبنای مرحله داوری، با ضوابط کلی ناسازگار خواهد بود.

(چ) همانطور که در توضیحات ضابطه کلی ۳ (پ) آمده، یک نتیجه این واقعیت که جرح فقط هنگامی میتواند موفق باشد که یک تست عینی برآورده شود، ضابطه کلی ۳ (چ) است که روشن میکند قصور در افشای برخی واقعیات و اوضاع و احوال که از دید طرف های داوری موجب بروز تردید در بیطرفی و استقلال داور شود لزوما به این معنا نیست که یک تعارض منافع وجود دارد یا یک سلب صلاحیت باید در پی داشته باشد.

(4) اعراض توسط طرف های داوری

(الف) در صورتی که، ظرف ۳۰ روز پس از:

(1) دریافت هرگونه افشائیه از ناحیه داور، یا

(2) پس از آن که یک طرف داوری به نحوی از واقعیات یا اوضاع و احوالی آگاه شود که می تواند برای داور تعارض منافع احتمالی محسوب گردد،

طرف داوری اعتراض صریحی در مورد آن داور، وفق بند های (ب) و (پ) ضابطه کلی حاضر مطرح نکند، فرض براین است که آن طرف از هرگونه تعارض منافع احتمالی در مورد داور مزبور بر مبنای آن گونه واقعیات یا اوضاع و احوال اعراض کرده است و نمی تواند در مراحل بعدی هیچ اعتراضی بر اساس آن واقعیات یا اوضاع و احوال مطرح نماید.
این مفروض است که یک طرف داوری از واقعیات و اوضاع و احوال تحت ضابطه ۴(الف)(۲) در صورتی که انجام یک تحقیق معقول در ابتدای رسیدگیها موجب کشف آنها میشد آگاهی یافته است.

(ب) در صورت وجود واقعیات یا اوضاع و احوال موصوف در فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، هرگونه اعراض توسط یک طرف داوری (از جمله هرگونه اعلام یا اعراض پیشاپیش، از آن نوع که در ضابطه کلی ۳ (ب) پیش بینی شده)، یا هر گونه توافقی توسط طرف های داوری دایر بر این که چنین شخصی به عنوان داور ایفای نقش نماید، فاقد اعتبار محسوب خواهد شد.

(پ) در صورت وجود تضاد منافع، از آن گونه که به عنوان نمونه در فهرست قرمز موارد قابل اعراض آمده، شخص نباید به عنوان داور ایفای نقش کند. با این حال، در صورت احراز شرایط زیر، چنین شخصی می تواند انتصاب به عنوان داور را بپذیرد، و یا به عنوان داور ادامه خدمت دهد:

(یک) کلیه طرف های داوری، کلیه داوران و نهاد داوری یا مقام ناصب دیگر (در صورت وجود)، اطلاع کامل در باره تعارض منافع مورد بحث داشته باشند؛ و

(دو) کلیه طرف های داوری به صراحت موافقت کنند که چنین شخصی، به رغم تعارض منافع مورد بحث، می تواند به عنوان داور خدمت کند.

(ت) داور می تواند در حصول حل و فصل اختلاف از طریق سازش، میانجیگری یا به هر نحو دیگر، و در هر مرحله ای از جریان داوری، به طرف های داوری کمک کند. اما قبل از این کار، داور باید موافقت صریحی از طرفین دریافت نماید مبنی بر این که اقدام به این کار موجب سلب صلاحیت داور از ادامه خدمت به عنوان داور نخواهد شد. چنین موافقت صریحی، اعراض مؤثر از هرگونه تعارض منافعی محسوب خواهد شد که احتمال دارد از مشارکت داور در چنین فرآیندی، یا

از اطلاعاتی که داور ممکن است در این فرآیند بدان ها آگاهی یابد، پدید آید. در صورتی که کمک و مساعدت داور منجر به حل و فصل نهایی پرونده شود، طرف های داوری مقید به اعراض خود باقی می مانند. با این حال، وفق ضابطه کلی ۲ (الف)، و به رغم چنین موافقتی، داور باید، در صورتی که در نتیجه دخالت خود در فرآیند حل و فصل، دچار شک و تردید هایی در خصوص توانایی خویش به رعایت بیطرفی یا استقلال در جریان آتی داوری شود، استعفا نماید.

توضیحات در باره ضابطه کلی ۴

(الف) طبق ضابطه کلی ۴ (الف)، در صورتی که یک طرف داوری ظرف ۳۰ روز اعتراضی نسبت به وجود هر گونه تعارض منافع بالقوه مطرح نکند، فرض بر این است که از چنین تعارض منافعی اعراض کرده است. مهلت یاد شده باید از تاریخ وقوف طرف داوری به واقعیات یا اوضاع و احوال ذیربط، از جمله از طریق فرآیند افشای سابقه، محاسبه شود.

(ب) اثر مترتب بر اصل کلی ۴ (ب) این است که واقعیات یا اوضاع و احوال موصوف در فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض را از حیطه ضابطه کلی ۴ (الف) مستثنی می سازد. برخی داوران با اعلام واقعیاتی، خواستار اعراض طرف های داوری نسبت به واقعیات یا اوضاع و احوال محتمل الوقوع در آینده می شوند. به رغم هر گونه اعراض مورد تقاضای داور، همان طور که در اصل کلی ۳ (ب) مقرر گردیده، واقعیات یا اوضاع و احوالی که در جریان داوری پدید می آیند، باید به موجب استمرار وظیفه داور به افشای واقعیات، برای طرف های داوری فاش شوند.

(پ) امکان دارد که طرف های داوری بخواهند، به رغم وجود تعارض منافع جدی، از قبیل آنچه که به عنوان نمونه در فهرست قرمز موارد قابل اعراض توصیف گردیده، فردی را به عنوان داور به خدمت گیرند. در این مورد، لازم است بین آزادی اراده طرف های داوری و علاقه ارجاع داوری تنها به داوران بی طرف ومستقل، تعادل و توازن برقرار گردد. اشخاصی با تعارض منافع جدی، از قبیل تعارض منافعی که به عنوان نمونه در فهرست قرمز موارد قابل اعراض ذکر شده، تنها در صورتی می توانند به عنوان داور خدمت کنند، که طرف های داوری کاملا آگاهانه و صریح اعلام اعراض نمایند.

(ت) مفهوم مساعدت دیوان داوری به طرف های داوری در حصول حل و فصل اختلافات خود در جریان داوری، در بعضی نظام های قضایی سابقه طولانی دارد، اما در نظام های قضایی دیگر چنین نیست. رضایت آگاهانه طرف های داوری

نسبت به چنین فرآیندی پیش از آغاز آن، باید به عنوان اعراض مؤثر از یک تعارض منافع احتمالی محسوب شود. در پاره ای نظام های قضایی کتبی بودن رضایت و امضای آن توسط طرف های داوری الزامی است. با رعایت هر گونه الزامات قانونی ذیربط، رضایت صریح می تواند کافی باشد و می تواند در جلسه استماع اعلام و در صورتجلسه یا صورت مذاکرات منعکس شود. به علاوه، به منظور اجتناب از این که طرف های داوری از دخیل بودن داور در پروسه حل و فصل استفاده کرده و آنرا وسیله سلب صلاحیت از وی قرار دهند، ضابطه کلی صراحت دارد که در صورت ناموفق بودن پروسه حل و فصل، اعراض باید نافذ و معتبر باقی بماند. طرف های داوری در اعلام رضایت صریح خود باید متوجه پی آمدهای مساعدت داور به آنان در فرآیند حل و فصل دعوا، از جمله ریسک استعفای داور باشند.

(5) حیطه شمول

(الف) شیوه نامه حاضر به صورت مساوی نسبت به رؤسای دیوان های داوری، داوران منفرد و داوران منصوب طرفین ، به هر نحو که منصوب شده باشند، قابل اعمال است.

(ب) منشی ها و دستیاران داوری یا اداری، که در خدمت شخص داور یا دیوان داوری هستند، مقید به همان تعهد استقلال و بیطرفی اند که خود داوران، و دیوان داوری مسئول است اطمینان حاصل کند که این تعهد در کلیه مراحل داوری محترم شمرده شود.

توضیحات در مورد ضابطه کلی (۵)

(الف) به دلیل این که یکایک اعضای دیوان داوری مکلف به رعایت بیطرفی و استقلال از طرفین هستند، ضوابط کلی تمایزی بین داوران منفرد، رؤسای دیوان های داوری، داوران منصوب طرفین یا داوران منصوب توسط یک نهاد داوری، قایل نمی شود.

(ب) برخی نهاد های داوری، منشی ها و دستیاران داوری یا اداری را ملزم می کنند که متنی دایر بر رعایت استقلال و بیطرفی امضا کنند. صرفنظر از وجود یا عدم وجود چنین الزامی، منشی ها و دستیاران داوری یا اداری مقید به همان تعهد رعایت استقلال و بیطرفی (از جمله وظیفه افشا) هستند، که خود داوران، و دیوان داوری مسئول است اطمینان حاصل نماید که وظیفه یا تعهد یاد شده در کلیه مراحل

داوری مورد احترام واقع گردد. به علاوه، این وظیفه شامل منشی ها و دستیاران داوری و اداری دیوان داوری و یکایک اعضای دیوان داوری می شود.

(6) ارتباطات

(الف) داور علی الاصول حایز هویت دفتر حقوقی آن داور یا مخدوم خود محسوب می شود، اما هنگام بررسی ذیربط بودن واقعیات یا اوضاع و احوال برای تصمیم گیری در این باب که آیا تعارض منافع بالقوه ای وجود دارد یا خیر، و این که باید واقعیاتی افشا گردد یا خیر، فعالیت های دفتر حقوقی داور، در صورت وجود، و مناسبات داور با دفتر حقوقی باید در هر مورد جداگانه مورد بررسی واقع شود. این واقعیت که فعالیت های دفتر حقوقی یا مخدوم داور پای یکی از طرف های داوری را به میان می کشد، لزوماً منبع چنین تعارض یا دلیلی برای افشا محسوب نمی شود. به همین نحو، اگر یکی از طرف های داوری عضو گروهی باشد که دفتر حقوقی یا مخدوم داور با آن ارتباط دارد، این واقعیت باید در هر مورد خاص مورد مداقه قرار گیرد، اما لزوماً و فی نفسه منبع یک تعارض منافع و یا دلیلی برای افشا محسوب نمی شود.

(ب) هر شخص حقوقی (legal entity) یا حقیقی که دارای نفوذ غالب بر یک طرف داوری دارد و یا دارای علاقه اقتصادی مستقیم در حکمی باشد که قرار است در داوری صادر شود، و یا موظف به جبران خسارت یک طرف داوری برای حکم مزبور است، می تواند حایز هویت آن طرف محسوب شود.

(پ) هرشخص حقوقی یا حقیقی که یک طرف داوری روی وی نفوذ غالب دارد را میتوان حایز همان هویت طرف داوری محسوب کرد.

توضیحات در باره ضابطه کلی ۶

نیاز است بین منافع یک طرف داوری برای نصب داور دلخواه خود، که ممکن است یک وکیل در یک دفتر حقوقی بزرگ یا کارمند یک شرکت و یا نوع دیگری از یک سازمان باشد و اهمیت حفظ اعتماد در بیطرفی و استقلال داوران بین المللی، موازنه برقرار شود. علی الاصول باید فرض بر این باشد که داور حامل هویت دفتر حقوقی خویش و یا مخدوم خود است اما فعالیت های دفتر حقوقی یا مخدوم داور نباید فی نفسه تعارض منافع ایجاد کند. ذیربط بودن (۱) فعالیت های دفتر حقوقی و یا مخدوم داور، از قبیل ماهیت، زمان و حیطه کار دفتر حقوقی یا مخدوم، (۲) ترتیبات ساختاری و روش کار دفتر حقوقی یا مخدوم داور ، و (۳) رابطه

داور با دفتر حقوقی یا مخدوم خود در هر مورد باید مورد امعان نظر قرار گیرد. ضابطه کلی ۶ (الف) از اصطلاح 'دخیل بودن' ('involve') استفاده می کند، و نه 'به نمایندگی از طرف' ('acting for')، زیرا ارتباطات ذیربط با یک طرف داوری ممکن است شامل فعالیت هایی سوای نمایندگی در یک امر حقوقی باشد. هرگاه یک طرف داوری عضو یک گروه از شرکت ها باشد، سؤالات خاصی راجع به تعارض منافع بروز می کند. به دلیل این که ترتیبات ساختاری هر شرکت با شرکت های دیگر تفاوت وسیع دارد، وضع یک قاعده کلی و فراگیر، مناسب نیست. در عوض، اوضاع و احوال خاص یک وابستگی با یک شخص حقوقی دیگر در درون همان گروه از شرکت ها، و رابطه آن نهاد با دفتر حقوقی داور یا مخدوم وی، باید در هر مورد بطور انفرادی مورد بررسی قرار گیرد.

تحول در ساختار حرفه های حقوقی بین المللی موجب بروز سوالاتی در مورد اینکه برای مقاصد ضابطه کلی ۶ (الف)، چه چیزی دفتر حقوقی محسوب میشود. بعنوان یک موضع کلی، برای چنین مقاصدی، یک دفتر حقوقی هر دفتری است که در آن یک داور شریک است یا دفتری که داور رسما به آن مرتبط است، خواه در سمت کارمند با هر عنوانی، وکیل و یا عضو تیم وکالت آن. ساختار هایی که از آن طریق دفاتر حقوقی مختلف همکاری میکنند و یا در سود شریک میشوند میتوانند مبنایی برای محسوب کردن داور بعنوان صاحب سمت در سایر دفاتر حقوقی مورد استفاده قرار گیرند. بهمین نحو، گرچه دفاتر وکلای باریستر (barristers' chambers) نباید معادل دفاتر حقوقی برای مقاصد احراز تعارض محسوب شوند، شاید روابط بین این وکلا، طرفین و سایر وکلا افشاگری را توجیه کند.

(ب) بخصوص هرگاه یک طرف در داوری بین المللی یک شخص حقوقی (legal entity) باشد، اشخاص حقوقی و حقیقی دیگر ممکن است دارای نفوذی غالب بر این شخص حقوقی و یا دارای یک منافع اقتصادی مستقیم در حکمی باشند که قرار است در داوری صادر شود، و یا موظف به جبران خسارت یک طرف بابت آن حکم باشند. هر وضعیت باید به طور انفرادی مورد بررسی واقع شود، و ضابطه کلی ۶ (ب) روشن می سازد که این گونه اشخاص را می توان در واقع همان طرف داوری محسوب کرد. حامیان مالی ثالث و بیمه گران در ارتباط با اختلاف ممکن است منافع اقتصادی مستقیم در حکم داشته باشند و به این اعتبار، می توان آن ها را معادل طرف داوری محسوب کرد. چنین کنترل، منافع و یا تعهد به جبران خسارت ممکنست در خصوص اشخاص حقیقی نیز وجود داشته باشد و همان نتیجه ببار میاید.

حامیان مالی ثالث (third-party funders) و بیمه گران (insurers) ممکنست منافع اقتصادی مستقیم در پیگیری یا دفاع پرونده مورد اختلاف ویا نفوذ غالب بر

یکی از طرفین داوری و یا نفوذ بر برگزاری رسیدگیها، شامل انتخاب داوران داشته باشند. این تمایزات ممکنست هنگام بررسی اینکه آیا چنین نهادهایی باید حایز هویت یکی از طرفین داوری قلمداد شوند، مرتبط باشند.

(پ) درخصوص شرکتها، ضابطه ۶ (پ) بدین معنی است که هنگامی که یک شرکت مادر طرف رسیدگیها است، شرکت فرعی آن ممکنست دارای همان هویت شرکت مادرمحسوب شود بشرطی که شرکت مادر نفوذ غالب بر شرکت فرعی داشته باشد. همین نتیجه در مورد اشخاص حقیقی حاصل میشود. بعنوان مثال، اگر یک شخص حقیقی طرف رسیدگیهای داوری باشد، شرکت خصوصی آنها را که روی آن نفوذ غالب دارند ممکنست دارای همان هویت محسوب کرد.

در خصوص دولتها، وضعیت سازمانی آنها معمولا متشکل از اشخاص حقوقی (legal entities) جداگانه ای است مانند مقامات محلی یا منطقه ای، یا موسسات (agencies) خودمختار که ممکنست از نظر سیاسی و قانونی از دولت مرکزی مستقل باشند. چنین ارتباطاتی لزوما ذیل معیار "نفوذ غالب" یا "منافع مستقیم اقتصادی" قرار نمی گیرند. چون ارتباطات بین چنین اشخاص حقوقی بسیار متنوع است، یک قاعده فراگیر مناسب نیست. در عوض، اوضاع و احوال خاص هر رابطه و ارتباط آن با موضوع اختلاف در هر مورد خاص بایستی مد نظر قرار گیرد. لذا هرزمان که یک دولت و یا شخص حقوقی دولتی، سازمان متبوع یا واحد ابزاری آن طرف داوری هستند، حتی وقتی که وضعیت آن نهاد مورد اختلاف است، داور بایستی روابط خود با چنین اشخاص حقوقی از قبیل مقامات محلی و منطقه ای، موسسات خود مختار یا اشخاص حقوقی در مالکیت دولت را جهت فاش کردن بررسی کند صرفنظر از اینکه آنها بخشی از سازمان دولت هستند یا وضعیت خصوصی دارند و بالعکس.

(7) وظیفه طرف های داوری و داور

(الف) هر یک از طرف های داوری بایستی موارد ذیل را به داور، دیوان داوری، سایر طرف ها و نهاد داوری یا هرگونه مقام ناصب اطلاع دهد:

(1) هر رابطه ای اعم از مستقیم یا غیر مستقیم بین داور و
- آن طرف
- شرکت دیگری از همان گروه شرکتها
- شخص یا نهادی که نفوذ غالب بر طرف داوری دارد
- شخص یا نهادی که یک طرف داوری بر آن نفوذ غالب دارد

- هر شخص یا نهادی دارای منافع اقتصادی مستقیم در حکمی که قرار است در داوری صادر شود و یا تکلیف پرداخت غرامت به یک طرف داوری بابت آن حکم دارد؛ و

(۲) هر شخص یا نهاد دیگری که طرف داوری معتقد است یک داور بایستی آنرا در انجام افشاگری خود طبق ضابطه کلی ۳ در نظر بگیرد.

طرف داوری بایستی اقدامات فوق را به ابتکار خود و در اولین فرصت انجام دهد.

(ب) برای انطباق با ضابطه کلی ۷(الف)، هر طرف بایستی تحقیقات معمول را بعمل آورده و کلیه اطلاعات ذیربط را که در اختیار دارد ارایه کند.

(پ) هر طرف باید هویت وکیل خود که در داوری حضور میابد و نیز هر رابطه ای را از جمله عضویت در دفاتروکلای باریسترو رابطه بین وکیل و داور را برای داور، دیوان داوری و سایر طرفین داوری و موسسه داوری و هر مقام ناصب، فاش نماید. طرف داوری باید اینکار را به ابتکار خود و در اولین موقعیت ممکن و نیز بمحض تغییر تیم وکالت خود انجام دهد.

(ت) هر داور این وظیفه را بعهده دارد که تحقیقات معمول را برای شناسایی هرگونه تعارض منافع و نیز هر گونه واقعیات و اوضاع و احوالی که ممکنست منطقا موجب بروز تردید هایی در خصوص بیطرفی یا استقلال داور شود بعمل آورد. اگر داور چنین تلاش معقولی را بعمل نیاورد، عدم اطلاع عذر موجهی برای قصور در افشای یک تعارض محسوب نمیشود.

توضیحات ضابطه کلی ۷

(الف) طرفین ملزم اند هرگونه رابطه با داور را فاش نمایند. فاش کردن چنین روابطی قاعدتا از ریسک طرح جرح واهی نسبت به بیطرفی یا استقلال داور بر مبنای اطلاعاتی که پس از نصب داور بدان وقوف حاصل شده است، می کاهد. وظیفه طرفین داوری به فاش کردن هر گونه رابطه، اعم از مستقیم یا غیر مستقیم، بین داور و طرف داوری (و یا شرکت دیگری از همان گروه شرکت ها، یا فردی که دارای نفوذ غالب بر طرف داوری در داوری است) و یا هر شخص حقوقی یا حقیقی که یکی از طرفین داوری بر او نفوذ غالب دارد به روابط با اشخاص حقوقی یا حقیقی دارای منافع اقتصادی مستقیم، یا مکلف به پرداخت غرامت به یکی از طرفین داوری است، در حکمی است که قرار است در داوری صادر شود، از قبیل شخص حقوقی که پشتیبانی مالی برای داوری ارائه می کند.

هنگام ارایه فهرست افراد و نهادهایی که طرفین اعتقاد دارند یک داور باید در افشاگری خود مد نظر داشته باشد، طرفین ملزم هستند توضیحاتی در خصوص رابطه بین این اشخاص با موضوع اختلاف ارایه نمایند.

(ب) طرف های داوری ملزم اند در ایفای وظیفه خود برای افشای واقعیات، در باره هرگونه اطلاعات ذیربطی که منطقاً بدان دسترسی دارند، تحقیق بعمل آورند. به علاوه، هر طرف داوری ملزم است از همان ابتدا و به صورت مستمر، طی سراسر جریان رسیدگی، کوشش معقول به عمل آورد تا از اطلاعات موجودی که، با اعمال ضوابط کلی، احتمال دارد بر بیطرفی یا استقلال داور اثر گذارد، حصول اطمینان نموده و فاش نماید.

(پ) هویت وکیلی که در داوری مشاوره میدهد و یا در آن حضور می یابد بایستی در اسرع وقت معرفی شود. تکلیف طرف داوری به افشای هویت وکیلی که مشاوره میدهد یا در داوری حاضر میشود از آغاز رسیدگیها به تمام اعضای تیم وکلای آن طرف تعمیم میابد.

(ت) داوران در ایفای وظیفه خود برای افشا تحت شیوه نامه حاضر، ملزم هستند در باره هرگونه اطلاعات ذیربطی که منطقاً بدان دسترسی دارند، تحقیق به عمل آورند.

بخش دوم: کاربرد عملی ضوابط کلی

1. شیوه نامه حاضر برای اینکه حایز تأثیر عملی مهمی باشد، به وضعیت هایی می پردازد که احتمال می رود در روند داوری رامروزه و در فهرست های مصداق ها اتفاق می افتند. معهذا، این فهرست ها نمی توانند کلیه وضعیت ها را شامل شوند و در کلیه موارد، ضوابط کلی باید تعیین کننده نتیجه باشند; به عبارت دیگر، ضوابط کلی حاکم بر فهرست های مصادیق نمونه هستند.

2. فهرست قرمز شامل دو بخش است: 'یک فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض ' (بنگرید به ضوابط کلی ۲ (ت) و ۴ (ب)) و 'یک فهرست قرمز موارد قابل اعراض' (بنگرید به ضابطه کلی ۴ (پ)). این فهرست ها جامع نبوده و وضعیت های مشخصی را بیان می کنند که، بسته به واقعیات یک مورد معین، موجد شک و تردید های قابل توجیه در خصوص بیطرفی و استقلال داور می شوند. این بدین معنی است که تحت این اوضاع و احوال، از دید یک شخص ثالث معقول و مطلع از واقعیات و اوضاع و احوال ذیربط، تعارض منافع وجود دارد (بنگرید به ضابطه کلی ۲ (ب)). فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، شامل وضعیت های ناشی از این اصل مهم است که، هیچ فردی نمی تواند قاضی خود باشد. بنابراین، پذیرش یک چنین وضعیتی نمی تواند رافع تعارض باشد. فهرست قرمز موارد قابل اعراض، دربرگیرنده وضعیت هایی است که ضمن این که جدی هستند، اما به آن اندازه شدید نیستند و به سبب جدی بودنشان، برخلاف اوضاع و احوال موصوف در فهرست نارنجی، وضعیت های مزبور را باید قابل اعراض دانست، اما تنها در صورتی و هنگامی که طرفین با آگاهی از وضعیت تعارض منافع، تمایل خود را به ایفای نقش چنین شخصی به عنوان داور، به نحو مقرر در ضابطه کلی ۴ (پ) صراحتاً ابراز کنند.

3. فهرست نارنجی فهرستی غیر جامع از وضعیت های مشخصی است که، بسته به واقعیات یک مورد معین، ممکن است از دید طرف های داوری شک و تردید های قابل توجیه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور ایجاد کند. بدین ترتیب، فهرست نارنجی مبین وضعیت هایی است که ذیل ضابطه کلی ۳ (الف) آمده، با این پیامد که داور موظف به فاش کردن این گونه وضعیت هاست. در کلیه این وضعیت ها، فرض بر این است که، درصورتی که بعد از افشا هیچ اعتراض به موقعی، آن گونه که در ضابطه کلی ۴ (الف) مقرر گردیده، به عمل نیاید، طرف ها داور را پذیرفته اند.

4. افشا به معنی وجود تعارض منافع نیست، و به فی نفسه نباید منجر به سلب صلاحیت داور، یا منجر به فرضی در خصوص سلب صلاحیت شود. منظور از

افشا مطلع کردن طرف های داوری از وضعیتی است که آنها بخواهند در مورد آن تحقیق بیشتری به عمل آورند تا تصمیم بگیرند که آیا از نظر عینی، یعنی از دید یک شخص ثالث معقول و مطلع از واقعیات و اوضاع و احوال، شک و تردید قابل توجیه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور وجود دارد. اگر نتیجه این باشد که شک و تردید قابل توجیهی وجود ندارد، داور می تواند ایفای نقش کند. سوای وضعیت های موضوع فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، در صورتی که اعتراض به موقعی توسط طرف های داوری به عمل نیامده باشد، یا در وضعیت های موضوع فهرست قرمز موارد قابل اعراض، اگر طرف های داوری طبق ضابطه کلی ۴ (پ) صراحتا قبول کرده باشند نیز داور می تواند ایفای نقش کند. در صورتی که یک طرف داوری داور را مورد جرح قرار دهد و اگر مقام تصمیم گیرنده جرح در باره جرح تصمیم بگیرد که جرح معیار عینی سلب صلاحیت که در توضیح ضابطه کلی ۲ شرح داده شده را برآورده نمی کند، باز هم داور می تواند ایفای نقش کند.

5. یک جرح متعاقب بر مبنای این واقعیت که داور این گونه واقعیات یا اوضاع و احوال را فاش نکرده، منطقاً نباید خود به خود منجر به عدم انتصاب، سلب صلاحیت بعدی و یا توفیق در اعتراض به هر گونه حکم داوری شود. همانطور که در بند ۳ (چ) ضوابط کلی مقرر شده، عدم افشا فی نفسه نمی تواند یک داور را جانبدار یا فاقد استقلال کند; تنها واقعیات یا اوضاع و احوالی که داور در فاش کردن آن ها قصور ورزیده می توانند وی را جانبدار یا فاقد استقلال نمایند.

6. در خصوص وضعیت هایی که در فهرست نارنجی نیامده یا خارج از مهلت های قابل اعمال در بخش هایی از فهرست نارنجی است، هیچ فرضی مبنی بر اینکه یک افشاگری حتما باید صورت گیرد وجود ندارد . با اینحال، داور بایستی مورد به مورد ارزیابی کند که آیا یک وضعیت خاص ، ولو آن که در فهرست نارنجی ذکر نشده، با این حال، آن گونه است که شک و تردید ها را از دید طرفین در خصوص بیطرفی یا استقلال وی ایجاد میکند. از آنجایی که فهرست نارنجی، فهرستی غیر جامع از موارد نمونه است، امکان دارد وضعیت هایی وجود داشته باشد که ذکر نشده، و بسته به اوضاع و احوال، ممکن است لازم باشد توسط داور فاش گردند. این در موردی صدق می کند که اگر به عنوان مثال، در مورد انتصابات مکرر گذشته توسط همان طرف یا همان وکیل بعد از دوره سه ساله مقرر در فهرست نارنجی، یا هنگامی که یک داور به صورت همزمان به عنوان وکیل در موضوع غیرمرتبطی که حاوی مسایل مشابهی است، وکالت کند. به همین نحو، انتصاب توسط همان طرف داوری یا همان وکیلی که هنگام رسیدگی به پرونده، نزد داور حضور دارد نیز، بسته به اوضاع و احوال، ممکن است لازم باشد افشا گردد. شیوه نامه حاضر، اگر چه همیشه فاش کردن این واقعیت را الزامی نمیداند که یک داور به صورت همزمان، در یک دیوان با عضو دیگری از آن دیوان، و

یا با یکی از وکلای حاضر در رسیدگی های جاری، حضور داشته، داور باید مورد به مورد ارزیابی کند که آیا این واقعیت که وی به کرات به عنوان وکیل یا داور در دیوان داوری بهمراه عضو دیگری از دیوان داوری حضور داشته ، ممکن است از دید طرفین عدم توازن مشهودی در داخل دیوان داوری ایجاد کند که بسته به واقعیات و اوضاع و احوال پرونده، موجب بروزتردیدهایی در خصوص بیطرفی و استقلال داور گردد. اگر نتیجه " باشد، داور باید موضوع را فاش کند.

7 . فهرست سبز فهرستی غیر جامع از وضعیت های مشخصی است که هیچ شائبه تعارض منافع یا هیچ تعارض منافع واقعی چه از دیدگاه انتزاعی و چه از دیدگاه عینی نمیتواند وجود داشته باشد. لذا، داور موظف به فاش کردن وضعیت های مشمول فهرست سبز نیست. همانطور که در توضیحات راجع به ضابطه کلی ۳ (الف) بیان شد، فهرست سبز منعکس کننده این واقعیت است که برای فاش کردن، مرزی بر مبنای معقول بودن وجود دارد.

8 . مرز بین طبقه بندی هایی که فهرست ها را تشکیل می دهند می تواند باریک باشد. این که آیا یک وضعیت معین باید در یک فهرست و نه در فهرست دیگر قرار گیرد، امری قابل بحث است. همچنین، فهرست ها برای وضعیت های گوناگون حاوی واژه های کلی از قبیل " (significant) و 'ذیربط' (relevant) میباشند. این فهرست ها در حد امکان منعکس کننده اصول بین المللی و بهترین رویه ها است. تبیین و توصیف بیشتر هنجارها، که مستلزم تعبیر و تفسیر معقول در پرتو واقعیات و اوضاع و احوال هر مورد خاص باشد، غیر سازنده خواهد بود.

1 . فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض

۱-۱ بین یک طرف دعوا و شخص داور وحدت هویت وجود داشته، یا داور نماینده حقوقی یا کارمند شخص یا نهادی باشد که یک طرف دعوا در داوری است.

۱-۲ داور در یکی از طرف های داوری، مدیر، رئیس یا عضو هیئت نظارت بوده، و یا نفوذی غالب بر یکی از طرف ها یا بر نهادی داشته باشد که علاقه اقتصادی مستقیم در حکمی دارد که در داوری صادر خواهد شد.

۱-۳ داور دارای نفع مالی یا شخصی عمده در یکی از طرف ها یا در نتیجه پرونده باشد.

۴-۱ داور در حال حاضر ویا به طور منظم به یک طرف داوری یا یک شرکت وابسته۱ [4] به آن طرف، مشاوره حقوقی میدهد، و داور یا دفتر حقوقی یا مخدومش درآمد مالی عمده ای از این مشاوره کسب می نماید.

2. فهرست قرمز موارد قابل اعراض

۲-۱ ارتباط داور با اختلاف

۲-۱-۱ داور در باره اختلاف، مشاوره حقوقی یا نظر کارشناسی به یک طرف داوری یا شرکت وابسته به یکی از طرف ها داده باشد.

۲-۱-۲ داور در گذشته در اختلاف دخالت داشته باشد.

۲-۲ منافع مستقیم یا غیر مستقیم داور در اختلاف

۲-۲-۱ داور، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، در یکی از طرف های داوری و یا در شرکت وابسته به یکی از طرف ها، صاحب سهم بوده و مالکیت طرف مزبور یا شرکت وابسته به آن در دست اشخاص خصوصی باشد.

۲-۲-۲ یک عضو نزدیک خانواده[5] داور علاقه اقتصادی عمده ای در نتیجه دعوا داشته باشد.

۲-۲-۳ داور یا یک عضو نزدیک خانواده داور، با شخصی غیر از طرف های دعوا ارتباط نزدیک داشته باشد، که امکان دارد توسط طرف ناموفق در دعوا تحت پیگیری واقع شود.

۲-۳ ارتباط داور با طرف ها یا وکلای آنها

۲-۳-۱ داور در حال حاضر یا بطور منظم برای یکی از طرف های داوری یا یک شرکت وابسته به یکی از طرف های داوری

۴- درکلیه فهرستهای مصادیق عبارت ُوابستهُ شامل همه شرکتهای یک گروه شرکتها منجمله شرکت مادر و یا فردی که دارای نفوذ غالب بر یک طرف داوری و یا هر شخص یا نهادی که دارای نفوذ غالب است می شود. [4]

[5] در سرتاسر فهرست های مصادیق، اصطلاح 'عضو نزدیک خانواده' به معنی همسر، خواهر یا برادر، فرزند، پدر یا مادر یا شریک دایمی زندگی است، به علاوه هر عضو دیگر خانواده که، با وی ارتباط نزدیک وجود داشته باشد.

وکالت میکند و یا به آنها مشاوره میدهد، ولی درآمد مالی مهمی از آن بدست نمی آورد.

۲-۳-۲ داور در حال حاضر از طرف وکیل یا دفتر حقوقی ای که به عنوان وکیل یکی از طرف ها عمل می کند، وکالت میکند و یا به آنها مشاوره حقوقی میدهد.

۲-۳-۳ داور در همان دفتر حقوقی وکیل یکی از طرف ها به وکالت اشتغال داشته باشد.

۲-۳-۴ داور در یک شرکت وابسته به یکی از طرف ها، مدیر، رئیس یا عضو هیئت نظارت و یا دارای نفوذ غالب باشد، مشروط بر این که شرکت وابسته مزبور به طور مستقیم در موضوعات مورد اختلاف در داوری دخیل باشد.

۲-۳-۵ دفتر حقوقی یا مخدوم (کارفرمای) داور دخالت قبلی اما خاتمه یافته در پرونده داشته باشد، بدون آن که خود داور در آن دخیل بوده باشد.

۲-۳-۶ دفتر حقوقی یا مخدوم (کارفرمای) داور در حال حاضر ارتباط تجارتی عمده با یکی از طرف ها، یا با شرکت وابسته به یکی از طرف ها داشته باشد.

۲-۳-۷ داور رابطه خانوادگی نزدیک با نامبردگان زیر داشته باشد: یکی از طرف ها، یا با یک مدیر، رئیس یا عضو هیئت سرپرستی، یا هر شخصی که دارای نفوذ غالب در یکی از طرف هاست یا یک شرکت وابسته به یکی از طرف ها، یا با وکیلی که وکالت یکی از طرف ها را بعهده دارد.

۲-۳-۸ یک عضو نزدیک خانواده داور دارای علایق مالی یا شخصی عمده در یکی از طرف ها، یا در یک شرکت وابسته به یکی از طرف ها باشد.

3. فهرست نارنجی

۳-۱ خدمات برای یکی از طرف ها یا دخیل بودن به نحو دیگری در پرونده

۳-۱-۱ داور، ظرف سه سال گذشته، به عنوان وکیل یکی از طرف ها، یا وکیل یک شرکت وابسته به یکی از طرف ها خدمت کرده، یا در گذشته به یکی از طرف ها یا شرکت وابسته که منصوب کننده داور در یک موضوع غیر مرتبط بوده، مشاوره حقوقی داده یا طرف مشورت واقع شده اما داور و طرف مزبور، یا شرکت وابسته آن طرف، هیچ ارتباط جاری با یکدیگر نداشته باشند.

۳-۱-۲ داور، ظرف سه سال گذشته، به عنوان وکیل علیه یکی از طرف ها، یا شرکت وابسته یکی از طرف ها، در یک موضوع غیر مرتبط خدمت کرده باشد.

۳-۱-۳ داور، ظرف سه سال گذشته، به عنوان داور در دو مورد یا بیشتر توسط یکی از طرف ها، یا شرکت وابسته یکی از طرف ها منصوب شده باشد.[6]

۳-۱-۴ داور، ظرف سه سال گذشته ، در دو نوبت یا بیشتر برای مساعدت در محاکمه های تمرینی یا احراز آمادگی برای جلسات استماع توسط یکی از طرفین یا یک شرکت وابسته به یکی از طرفین در موضوعات غیر مرتبط منصوب شده باشد.

۳-۱-۵ داور در حال حاضر یا ظرف سه سال گذشته، به عنوان داور یا وکیل، در داوری دیگری در خصوص موضوع یا مطلبی مرتبط که شامل یکی از طرف ها یا یک شرکت وابسته به یکی از طرف هاست، خدمت کند یا کرده باشد.

۳-۱-۶ داور در حال حاضر یا ظرف سه سال گذشته بعنوان کارشناس برای یکی از طرفین یا شرکت وابسته به یکی از طرفین در یک موضوع غیر مرتبط منصوب شده باشد.

---

[6] در برخی از انواع داوری، از قبیل داوری دریایی، ورزشی یا داوری کالا ها ممکن است معمول باشد که داوران از داخل یک مجموعه تخصصی از افراد یا از بین یک فهرست الزامی انتخاب شوند. طرف های فعال در آن زمینه ها احتمالا از رویه عرفی انتخاب یک داور در دعاوی گوناگون آگاه هستند. در اینصورت، گرچه افشای انتصابات متعدد طبق ماده ۳-۱-۳، ممکنست مطلوب باشد، میزان چنین افشاگری و آثار انتصابات مکرر ممکنست با آنچه در راهنمای حاضر آمده فرق داشته باشد.

۳-۱-۷ دفتر حقوقی داور یا یکی از کارمندان آن در حال حاضریا بطور منظم مشغول ارائه خدمات به یکی از طرف ها، یا به یک شرکت وابسته به یکی از طرف ها باشد، بدون آن که ارتباط تجاری قابل ملاحظه ا ی برای دفتر حقوقی و یا آن کارمند ایجاد کند، بدون اینکه داور دخالتی درموضوع داشته باشد و خدمات مزبور به اختلاف تحت رسیدگی مربوط نباشد..

۳-۱-۸ یک دفتر حقوقی یا سازمان حقوقی دیگر، که در مقدار قابل ملاحظه ای حق الوکاله یا درآمدهای دیگر با دفتر حقوقی داور یا یک کارمند آن دفتر سهیم است، به یکی از طرف ها ، یا به شرکت وابسته به یکی از طرف ها، نزد دیوان داوری، خدماتی ارائه کند.

۳-۲ ارتباط بین یک داور و داور یا وکیل دیگر

۳-۲-۱ یک داور و داور دیگر در یک دفتر حقوقی واحد به وکالت اشتغال داشته باشند یا دارای مخدوم (کارفرمای) مشترک باشند.

۳-۲-۲ یک داور و داور دیگر، یا وکیل یکی از طرف ها، عضو یک دفتر واحد وکلای مدافع باریستر باشند.

۳-۲-۳ داور، ظرف سه سال گذشته، شریک یا به نحوی وابسته به یک داور دیگر یا به یکی از وکلای حاضر در داوری باشد.

۳-۲-۴ وکیلی در دفتر حقوقی داور، در اختلاف دیگری که متضمن موضوع یا مطلبی ذیربط و همان طرف یا اطراف یا یک شرکت وابسته به یکی ازهمان طرف هاست، داور باشد.

۳-۲-۵ یک عضو نزدیک خانواده داور، شریک یا کارمند دفتر حقوقی ای باشد که وکالت یکی از طرف ها را بر عهده دارد، اما در موضوع اختلاف مساعدت نمی کند.

۳-۲-۶ دوستی شخصی نزدیک بین داور و وکیل یک طرف داوری وجود داشته باشد.

۳-۲-۷ بین داور و وکیل/وکلای حاضر در داوری خصومت وجود داشته باشد.

۳-۲-۸ داور، ظرف سه سال گذشته، در بیش از سه مورد توسط همان وکیل یا همان دفتر حقوقی بعنوان داور منصوب شده باشد.

۳-۲-۹ داور ظرف سه سال گذشته در بیش از سه مورد توسط همان وکیل یا همان دفتر حقوقی بعنوان کارشناس منصوب شده باشد.

۳-۲-۱۰ داور ظرف سه سال گذشته در بیش از سه مورد جهت مساعدت در محاکمه های تمرینی یا احراز آمادگی برای جلسات استماع توسط همان وکیل یا دفتر حقوقی منصوب شده باشد.

۳-۲-۱۱ داور و یکی دیگر از داوران یا وکیل یکی از طرفین دخیل در داوری در حال حاضر یا طی سه سال گذشته به اتفاق یکدیگر بعنوان وکیل اقدام کرده یا میکنند.

۳-۲-۱۲ داور و وکیل یکی از طرفین در حال حاضر به اتفاق یکدیگر در حال برگزاری در یک داوری دیگر میباشند.

۳-۲-۱۳ داور و یک یا چند نفر از داوران همان رسیدگیها در حال حاضر بعنوان داور در داوری دیگری مشغول میباشند.

۳-۳ رابطه بین داور و یک طرف و یا سایر اشخاص دخیل در داوری

۳-۳-۱ دفتر حقوقی داور در حال حاضر به عنوان طرف مخالف یکی از طرف ها، یا یک شرکت وابسته یکی از طرف ها عمل کند.

۳-۳-۲ داور با یک کارشناس، یک طرف داوری، یا با شخص وابسته به یکی از طرف ها، در یک سمت حرفه ای، مثلا به عنوان کارمند یا شریک سابق، مرتبط بوده باشد.

۳-۳-۳ دوستی شخصی نزدیک بین داور و یک مدیر یا رئیس یا یک عضو هیئت نظارت اشخاص زیر وجود داشته باشد: یک طرف داوری؛ یک نهادی که منافع اقتصادی مستقیم در حکمی که قرار است در داوری صادر شود، داشته باشد؛ یا هر شخصی که نفوذ غالب، از قبیل منافع سهامداری غالب، بر یکی از طرف ها یا در

یک شرکت وابسته به یکی از طرف ها یا بر یک شاهد یا کارشناس داشته باشد.

۴-۳-۳ بین داور پرونده و یک مدیر یا رئیس یا عضو هیئت نظارت اشخاص زیر خصومت وجود داشته باشد: یک طرف داوری؛ یک نهادی که صاحب منافع اقتصادی مستقیم در حکم باشد؛ یا هر شخصی که دارای نفوذ غالب بر یکی از طرف ها یا بر شرکت وابسته به یکی از طرف ها، یا بر یک شاهد یا کارشناس داشته باشد.

۵-۳-۳ در صورتی که داور سابقاً قاضی بوده و ظرف سه سال گذشته، پرونده مهمی را که شامل یکی از طرف ها، یا یک شرکت وابسته به یکی از طرف ها، استماع کرده باشد.

۶-۳-۳ داور به یک کارشناس که در رسیدگیهای داوری حضور دارد در خصوص داوری دیگری که داور در آن نقش وکیل دارد، دستورهای کارشناسی دهد .

۴-۳ سایر اوضاع و احوال

۱-۴-۳ داور، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، دارای سهامی باشد، که از نظر تعداد یا نوع آن، مالکیت مؤثر در یکی از طرف ها، یا در شرکت وابسته یکی از طرف ها، محسوب شود، و این طرف یا شرکت وابسته مزبور در لیست شرکت های فعال در بورس سهام باشد.

۲-۴-۳ داور در باره پرونده به طور علنی، چه در یک نشریه، یا در سخنرانی، از طریق رسانه های اجتماعی و یا شبکه های حرفه ای آنلاین یا به نحوی دیگر، موضعی در آن پرونده اتخاذ کرده باشد.

۳-۴-۳ داور دارای یک پست اجرایی یا پست موثر در تصمیم گیری در موسسه ای که اختلاف را مدیریت میکند و یا نزد مقام ناصب باشد و در آن پست در تصمیمات در رابطه با داوری شرکت کرده باشد.

۴-۴-۳ داور، مدیر یا رئیس یا عضو هیئت نظارت بوده، یا نفوذ غالب بر شرکت وابسته یکی از طرف ها داشته باشد، و آن شرکت

وابسته به طور مستقیم درگیر در موضوعات مورد اختلاف در داوری نباشد.

4. فهرست سبز

۴-۱ نظرات حقوقی که در گذشته ابراز شده

۴-۱-۱ داور در گذشته یک نظر حقوقی (به عنوان مثال در یک مقاله منتشره در مجله حقوقی یا در یک سخنرانی عمومی) درباره موضوعی که در داوری نیز مطرح است (اما این نظر بر پرونده مورد بحث متمرکز نیست) ابراز کرده باشد.

۴-۲ خدمات جاری برای یکی از طرف ها

۴-۲-۱ یک دفتر حقوقی، که مرتبط یا همپیمان با دفتر حقوقی داور یا مخدوم (کارفرمای) داور است، اما در مقدار قابل ملاحظه ای حق الوکاله یا درآمدهای دیگر با دفتر حقوقی یا مخدوم (کارفرمای) داور سهیم نیست، خدماتی به یکی از طرف ها، یا یک شرکت وابسته یکی از طرف ها، در یک موضوع غیر مرتبط ارائه کند.

۴-۳ ارتباطات با داور دیگر یا با وکیل/ وکلای یکی از طرف ها

۴-۳-۱ داور از طریق عضویت در یک کانون حرفه ای مشترک، یا مؤسسه اجتماعی، یا خیریه ، یا از طریق یک شبکه رسانه ای اجتماعی، با یک داور دیگر، یا با وکیل/وکلای یکی از طرف ها، رابطه داشته باشد.

۴-۳-۲ داور و وکیل/ وکلای یکی از طرف ها، درگذشته با یکدیگر به عنوان داور خدمت کرده باشند.

۴-۳-۳ داور در همان دانشکده یا مدرسه ای تدریس کند که یک داور دیگر یا وکیل/وکلای یکی از طرف ها، یا این که به عنوان مقام یک کانون حرفه ای یا مؤسسه اجتماعی یا خیریه با یک داور دیگر یا با وکیل/وکلای یکی از طرفین خدمت کند.

۴-۳-۴ داور سخنران، رئیس جلسه یا سازمان دهنده در یک یا بیش از یک کنفرانس بوده، یا در سمینارها یا گروه های یک سازمان حرفه ای، اجتماعی یا خیریه، با یک داور دیگر یا با وکیل/وکلای طرف ها شرکت کرده باشد.

۴-۴ ارتباطات بین داور و یکی از طرف ها

۴-۴-۱ داور قبل از انتصاب، ارتباط اولیه ای با یک طرف، یا شرکت وابسته به یک طرف (یا وکیل/وکلای آن ها) داشته، اگر این ارتباط محدود به آمادگی داور و سوابق تحصیلی و تجربی وی برای خدمت، یا به اسامی نامزدهای احتمالی برای تصدی پست ریاست باشد، و به جنبه های ماهوی یا شکلی اختلاف، سوای ارائه کلیاتی از پرونده، نپرداخته باشد.

۴-۴-۲ داور دارای مقدار قابل ملاحظه ای سهم در یکی از طرف ها، یا شرکت وابسته یکی از طرف ها باشد که جزو لیست شرکت های فعال در بورس سهام است.

۴-۴-۳ داور با یک مدیر، رئیس یا عضو هیئت سرپرستی، یا هر شخصی که نفوذ غالب بر یکی از طرف ها یا شرکت وابسته یکی از طرف ها دارد، با یکدیگر به عنوان کارشناسان مشترک، یا در یک سمت حرفه ای دیگر، از جمله به عنوان داور در یک پرونده کار کرده باشند.

۴-۴-۴ داور با یکی از طرف ها یا شرکت های وابسته آن، از طریق یک شبکه رسانه ای اجتماعی ارتباط داشته باشد.

۴-۵ ارتباط بین داور و یکی از کارشناسان

۴-۵-۱ موردی که داور، هنگامی که بعنوان داور در قضیه دیگری شرکت کرده بود، شهادت کارشناسی را که در رسیدگیهای حاضر نیزحضور دارد، استماع کرده باشد.

نام اعضای کارگروه بازبینی شیوه نامه ۲۰۱۴

Chair
Erica Stein
IBA Arbitration Guidelines and Rules Subcommittee
Co-Chair 2022–2023, Stein Arbitration, Brussels

Vice-Chair
Claudia Frutos-Peterson
Curtis Mallet, Washington DC

Secretaries
David Blackman
Chaffetz Lindsey, New York

Viva Dadwal
King & Spalding, New York

Team Leaders
Nicolas Angelet
Angelet Law, Brussels

Crina Baltag
Stockholm University, Stockholm

Daniel Dozsa
Queritius, Budapest

Sarah Grimmer
Twenty Essex, Singapore

Jan Heiner Nedden
Hanefeld, Hamburg

Marily Paralika
Fieldfisher, Paris
Louise Reilly

The Law Library, Ireland
Mallory Silberman

Georgetown University, Washington DC

Hilde van der Baan
Allen & Overy, Amsterdam

Galina Zukova
Zukova Legal, Paris
Kun Fan
UNSW, Sydney

Lauren Friedman
King & Spalding, New York

Alice Fremuth-Wolf
Nivalion, Vienna

Beata Gessel
Gessel Kancelaria, Warsaw

Tom Glasgow
Omni Bridgeway, Singapore

Sandra Gonz.lez
Ferrere, Montevideo

Ji Hi Jung
General Motors International, Seoul

Frank Hormes
Hochtief, Essen

Sofia de Sampaio Jalles
Armesto & Asociados, Madrid

Dyala Jimenez
DJ Arbitraje, San José

Pal Kara
MOL Hungarian Oil and Gas Plc, Budapest

Jennifer Kirby
Kirby Arbitration, Paris/New York

Christian Leathley
HSF, New York

Barton Legum
Honlet Legum, Paris

Members

Andr. Abbud
BMA Advogados, São Paulo/Rio de Janeiro/Brasilia

Folashade Alli
Folashade Alli & Associates, Lagos

Richard Apphun
AL Contract Services, Rome

Benan Arseven
Moroğlu Arseven, Istanbul

Giedrė Aukštuolienė
Ellex, Vilnius

Julie B.dard
Skadden, New York/São Paulo

Pierre Bienvenu
IMK avocats, Montreal

David Blackman

Chaffetz Lindsey, New York

Lawrence Boo
The Arbitration Chambers, Singapore

Daniela Bambaci
BRG, Buenos Aires/New York

Alfredo Bullard
Bullard Falla Ezcurra, Lima

Pierre Burger
Werksmans, Johannesburg

Juliana Castillo
Eviosys, Paris

Zarina Chinoy
Panchshil Realty, Pune

Daniel Heilbron Chrispim
Galp, Rio de Janeiro

Stephanie Cohen
Cohen Arbitration, New York

Sylvie Bebohi Ebongo
HBE Avocats, Paris/Yaoundé

Khaled Abou El Houda
Houda Law Firm, Dakar
Silvia Marchili
White & Case, Houston

Ricardo Dalmaso Marques
META, São Paulo

Lucy Martinez
Martinez Arbitration, Sydney/London

Alexis Mourre
MGC Arbitration, Paris

Christa Mueller
Mueller Abogados, Mexico City

Harold Noh
Kim & Chang, Seoul

Yoshimi Ohara
Nagashima Ohno & Tsunematsu, Tokyo

Sherina Petit
Norton Rose, London

Ren Qing
Global Law Office, Beijing

Norad.le Radjai
Lalive, Geneva

Sami Tannous
Freshfields, Dubai

Paul Tichauer
CEO Arbitration, Toronto

Jiř. Urban
KPMG, Prague
Mohamed S. Abdel Wahab
Zulficar Partners, Cairo

Duncan Watson
Quinn Emanuel, Hong Kong/Perth